

Research Article

<http://isoedmag.ir>

مقاله علمی پژوهشی

صفحه ۲۱۷-۲۳۰

عنوان: چالش‌ها و راهکارهای توجه به مبانی روان‌شناختی مورد تأکید در سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس‌ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی

کمال نصرتی هشی^۱، نیما القاسی^۲، الهه خیراللهی^۳، حمیدرضا دهقان^۴، محمد عظیمی^۵

اطلاعات مربوط به مقاله

چکیده

هدف از پژوهش حاضر چالش‌ها و راهکارهای توجه به مبانی روان‌شناختی مورد تأکید در سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس‌ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی است. روش: این پژوهش از نوع کیفی است و برای دستیابی به یافته‌ها، روش تحلیل اسناد و روش پدیدار شناسی (مصاحبه نیمه ساختار یافته) مورد استفاده قرار گرفت. در این پژوهش بیش از ۱۰۰ نفر از معلمان دوره ابتدایی استان اصفهان با روش نمونه‌گیری هدفمند و با معیار اشباع نظری انتخاب شدند. یافته‌ها: در بخش یافته‌ها با بررسی منابع موجود و از طریق مصاحبه با معلمان چالش‌ها و راهکارها مشخص گردید و نشان داده شد که مبانی ذکر شده در سند تحول یک شبهه و صرفاً با ارسال بخشنامه به صورت کامل محقق نمی‌شود، بلکه ضمن آموزش‌های لازم برای دانش‌آموزان، والدین و مربیان، نیاز به منابع و امکانات مورد نیاز و تخصیص عادلانه آن در کل کشور دارد. در ادامه از طریق مصاحبه با معلمان چالش‌ها و راهکارهایی همچون افزایش منابع و امکانات آموزش و پرورش، برگزاری آموزش‌های لازم برای مربیان و والدین، کاهش جمعیت کلاس‌ها، استفاده از ابزارهای فناوری مانند هوش مصنوعی، تغییر و اصلاح کتب درسی، اجرای کامل عدالت آموزشی، تدوین راهنمایی برای استفاده از شیوه‌های تدریس فعال در مدارس ابتدایی و سایر راهکارهایی که در متن پژوهش به آنها اشاره شده بر سر تحقق هر مبنای به صورت مجزا در جداولی ارائه شده است. نتیجه‌گیری: براین اساس به نظر می‌رسد اگر تمامی مبانی مطرح شده در سند تحول به درستی اجرا شوند می‌توان شاهد تحول اساسی در امر آموزش کشور و رشد و اعتلای نام ایران اسلامی بود.

کلید واژگان

چالش‌ها و راهکارها، مبانی روان‌شناختی، سند تحول بنیادین، تجربه معلمان ابتدایی

^۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. kamalnorsrati1367@cfu.ac.ir^۲. کارشناسی آموزش ابتدایی، اصفهان، ایران. nimaalghasi@cfu.ac.ir^۳. کارشناس ارشد معارف نهج البلاغه، آموزش و پرورش ناحیه ۴، اصفهان، ایران. el.khairollahi@gmail.com^۴. گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.^۵. دانشیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

مقدمه

در نظام آموزشی هر کشور، توجه به مبانی روان‌شناختی در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی و مدیریت کلاس‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران نیز بر این مبانی تأکید دارد و هدف آن ایجاد محیطی است که در آن دانش‌آموزان بتوانند به طور کامل و همه‌جانبه رشد کنند (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). این پژوهش با عنوان «بررسی میزان توجه به مبانی روان‌شناختی طبق سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس‌ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی» به بررسی وضعیت موجود و مطلوب پرداخته و بر راهکارها و نوآوری‌ها برای تغییر و رسیدن به وضعیت مطلوب تأکید دارد. در وضعیت مطلوب، محتوای دروس باید به گونه‌ای طراحی شود که نیازهای روان‌شناختی دانش‌آموزان را برآورده کند. این شامل توجه به تفاوت‌های فردی، تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر تربیت، و رشد مرحله به مرحله کودکان است. محتوای درسی باید مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق، توسعه مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و شناختی، و تربیت شهروندانی مسئول و متعهد را تقویت کند (علی‌آبادی، ۱۴۰۰). مدیریت کلاس‌ها باید به گونه‌ای باشد که محیطی حمایتی و پویا برای دانش‌آموزان فراهم کند، با تأکید بر تعامل مثبت بین معلم و دانش‌آموزان و بین خود دانش‌آموزان (سلیمانی، ۱۳۹۸). فضای حاکم بر مدارس نیز باید محیطی حامی و تشویق‌کننده باشد که در آن دانش‌آموزان با اعتماد به نفس و انگیزه بالا به یادگیری بپردازند. هدف آرمانی این است که دانش‌آموزان در محیطی رشد کنند که تمامی ابعاد شش‌گانه تعلیم و تربیت را پوشش دهد، یعنی رشد شناختی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، هنری و جسمانی (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). این هدف مستلزم طراحی برنامه‌های درسی چندگانه، ارتقاء آگاهی معلمان نسبت به تفاوت‌های فردی، و ایجاد فضای آموزشی پویا و انعطاف‌پذیر است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸).

در حال حاضر، محتوای دروس و مدیریت کلاس‌ها در مدارس ابتدایی با مشکلات متعددی مواجه است. کمبود منابع آموزشی، عدم تدوین روش‌های موثر برای ادغام عوامل درونی و بیرونی، و عدم توجه کافی به تفاوت‌های فردی از جمله این مشکلات هستند. تحقیقات نشان می‌دهند که محتوای دروس بیشتر بر حفظ و تکرار اطلاعات متمرکز است تا تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق (زارع و همکاران، ۱۳۹۷). مدیریت کلاس‌ها بیشتر بر کنترل رفتار دانش‌آموزان و اجرای دستورات معلم متمرکز دارد تا ایجاد محیطی تعامل‌گرا و مشارکتی (ملکی، ۱۳۹۹). فضای حاکم بر مدارس نیز اغلب استرس‌زا و رقابتی است که می‌تواند اثرات منفی بر رشد عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشد (خدایی و همکاران، ۱۴۰۰). عدم پاسخ به این مشکلات می‌تواند منجر به کاهش انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، افزایش نرخ ترک تحصیل و بروز مشکلات روانی و رفتاری شود (خدایی و همکاران، ۱۴۰۰). برای مثال، مطالعه‌ای در ایران نشان داده است که بسیاری از معلمان از روش‌های تدریس فعال استفاده نمی‌کنند که این امر می‌تواند به کاهش مشارکت دانش‌آموزان منجر شود (ملکی، ۱۳۹۹).

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور به بررسی مبانی روان‌شناختی در محتوای دروس و مدیریت کلاس‌ها پرداخته‌اند. در ایران، مطالعه علی‌پور (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر روش‌های تدریس نوین بر رشد شناختی دانش‌آموزان پرداخته است. همچنین، تحقیق حسینی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داده است که توجه به مدیریت کلاس مبتنی بر تعاملات مثبت می‌تواند بهبود قابل توجهی در عملکرد تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشد. در خارج از کشور نیز پژوهش‌های اندرسون و همکاران (۲۰۱۹) در آمریکا نشان داده است که استفاده از رویکردهای روان‌شناختی در آموزش می‌تواند به بهبود مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان کمک کند. همچنین، مطالعه اسمیت و جونز (۲۰۲۰) در بریتانیا تأثیر مثبت فضای آموزشی حامی و تشویق‌کننده بر کاهش استرس و افزایش انگیزه یادگیری دانش‌آموزان را نشان داده است. بنابراین پژوهش حاضر با عنوان «بررسی میزان توجه به مبانی روان‌شناختی طبق سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس‌ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی» دارای وجه نوآوری قابل توجهی است. در حالی که بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی تأثیر مبانی روان‌شناختی در آموزش پرداخته‌اند، تحقیق حاضر از تجارب زیسته معلمان و متخصصان بهره می‌برد و به طور مستقیم به تحلیل وضعیت کنونی و ارائه راهکارهایی برای بهبود می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از روش‌های کیفی به درک عمیق‌تری از مشکلات و

چالش‌های موجود دست یافته و راهکارهای عملی و مؤثری برای رسیدن به وضعیت مطلوب ارائه می‌دهد. افزون بر این، نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی و معلمان کمک کند تا با شناخت دقیق‌تر از وضعیت موجود و بهره‌گیری از تجارب زیسته، به بهبود و ارتقاء کیفیت آموزشی در مدارس ابتدایی بپردازند. این امر در نهایت می‌تواند به تحقق اهداف متعالی سند تحول بنیادین و تربیت نسلی توانمند و مسئول کمک کند.

سوالات پژوهش

۱. باتوجه به مبنای اول روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی در تربیت و آموزش دانش آموزان به چه میزان به تاثیر عوامل درونی و بیرونی توجه می‌شود؟ (باذکردلیل) موانع و چالش‌های موجود در این زمینه چه مواردی هستند و چه راه‌حلی برای برون‌رفت از این چالش‌ها می‌توان ارائه داد؟
۲. باتوجه به مبنای دوم روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی به چه میزان سازگارهای تربیتی دانش آموزان مطابق با این مبانی است، چه موانع و چالش‌هایی وجود دارد؟ و چه راه‌حلی برای توجه بهتر به این مبنا وجود دارد؟
۳. با توجه به مبنای سوم روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی آیا به این مبنا توجه می‌شود؟ (باذکردلیل) چالش‌ها و موانع پیش‌رو برای تحقق این مهم چیست؟ و چه راهکارهایی برای برون‌رفت از این چالش‌ها وجود دارد؟
۴. باتوجه به مبنای چهارم روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی و برنامه‌های آموزشی و تربیتی آنها تا چه میزان به موضوع مراحل رشد و متعلقات آن توجه می‌شود؟ (باذکردلیل) چالش‌ها و موانع بر سر راه تحقق این مباحث چیست و چه راه‌حلی برای حل این چالش‌ها وجود دارد؟
۵. باتوجه به مبنای چهارم روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی و برنامه‌های آموزشی و تربیتی آنها تا چه میزان به موضوع مراحل رشد و متعلقات آن توجه می‌شود؟ (باذکردلیل) چالش‌ها و موانع بر سر راه تحقق این مباحث چیست و چه راه‌حلی برای حل این چالش‌ها وجود دارد؟
۶. باتوجه به مبنای ششم روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی تا چه میزان به این موضوع توجه می‌شود؟ (باذکردلیل) چالش‌ها و موانع بر سر راه تحقق این مبنا چیست و چه راهکارهایی برای برون‌رفت از این چالش‌ها وجود دارد؟

روش پژوهش

برای پاسخ به سوالات پژوهش، روش پدیدارشناسی مورد استفاده قرار گرفت. پدیدارشناسی به معنای مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است که توسط یک فرد زیسته و تجربه می‌شود و به معنای جهان یا واقعیتی جدای از انسان نیست. در رویکردهای پژوهشی پدیدارشناسی دو روش پدیدارشناسی توصیفی (هوسرل) و پدیدارشناسی تفسیری (هایدگر) مطرح است (ماسناکاس^۱ ۱۹۴۳). که پژوهش حاضر بر اساس روش پدیدارشناسی توصیفی هوسرل جهت دستیابی به تجارب زیسته شرکت‌کنندگان انجام شد. مشارکت‌کنندگان بالقوه در این پژوهش معلمان ابتدایی استان اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند، برای انتخاب آنها از رویکرد هدفمند ملاکی و اشیاء نظری استفاده شد که ابتدا در مرحله اول طی جلسه‌ای توجیهی و آموزشی اهداف پژوهش و سوالات پژوهش که به صورت سوالات باز پاسخ بودند برای آنها تفسیر و توضیح داده شد و سپس لینک سوالات در اختیار آنها قرار گرفت و قریب به ۱۰۰ نفر به صورت مجازی به سوالات داده شده پاسخ دادند. ملاک ما برای جمع‌آوری داده‌ها اشیاء نظری بود

^۱. Moustaks

که پس از پایان مرحله اول که جمع آوری داده ها بود، پاسخ ها مطالعه و طبق روش تحلیل مضمون براون و کلارک^۱ که یک فرایند شش مرحله ای که شامل: (۱-آشنایی ۲- کد گذاری ۳- تولید مضامین ۴- بررسی مضامین ۵- تعریف و نام گذاری مضامین ۶- نوشتن) بود، اطلاعات بدست آمده تحلیل شد و برای اعتبار یابی داده های تنظیم شده، داده ها در اختیار چند نفر از متخصصین علوم تربیتی قرار گرفت و اعتبار یابی شد. پس از آن به صورت چالش ها و راهکار ها در جداول مختلف به نمایش در آمد، به طور کلی در این پژوهش ابتدا در زمینه موضوع پژوهش مقالات موجود، مطالعه و بعد از اشراف به حیطه موضوعی، برای اخذ نظرات و تجربیات نمونه آماری، با توجه به مبنای روان شناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی و با مشورت از اساتید علوم تربیتی، سوالاتی طراحی گردید. برای رسیدن به اعتبارپذیری، انتقال پذیری و اعتماد یا تایید پذیری سوالات مصاحبه و پاسخ های مشارکت کنندگان تکنیک هایی همچون استفاده از تکنیک تثلیث^۲ یا مثلث سازی، تکنیک کنترل اعضا، تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی و خودبازبینی محققان (عباس زاده، ۱۳۹۱: ۱۹-۳۴) استفاده گردید. همچنین سعی شد راهکار هایی انتخاب شود که به دور از فضای آرمانی و دارای قابلیت اجرایی در سیستم فعلی آموزش و پرورش کشور باشد. در آخر نیز مضامین دارای بیشترین فراوانی و مضامین دارای کمترین فراوانی مشخص شدند.

یافته ها

در ادامه ابتدا سوالات ارائه و یافته های مربوط به هر سوال بصورت منظم در جداول به ترتیب ارائه می شود:
سوال ۱: با توجه به مبنای اول روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی در تربیت و آموزش دانش آموزان به چه میزان به تاثیر عوامل درونی و بیرونی توجه می شود؟ (با ذکر دلیل) موانع و چالش های موجود در این زمینه چه مواردی هستند و چه راه حل هایی برای برون رفت از این چالش ها می توان ارائه داد؟

جدول ۱: توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی

مبنای اول	موانع و چالش ها	راهکارها
توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی	- نقص در شناخت و توجه به نیازها و علاقه های دانش آموزان	- توسعه برنامه های آموزشی با توجه به نیاز ها و علاقه ها
	- محدودیت در استفاده از روش های تدریس متنوع	- استفاده از روش های تدریس مبتنی بر انگیزه
	- نبود راهکارهای مناسب برای افزایش انگیزه	- آموزش معلمان در زمینه روان شناختی
	- عدم وجود منابع مالی مورد نیاز برای اجرای برنامه هایی که باعث تحقق این مینا شود.	- تخصیص اعتبارات لازم برای ارتقای کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس
	- محدودیت های زمانی و مکانی	- کاهش جمعیت کلاس ها
	- جمعیت بالای افراد کلاس	- ارائه آموزش های درست به خانواده ها و اجرای صحیح کارگاه های آموزش خانواده جهت توجیه و آموزش هرچه بهتر والدین
	- ارائه الگو های اشتباه و نامناسب در فضای مجازی و حتی گاهی	

^۱. Braun & Clarke

^۲. Tringulation

<p>- حضور پر رنگ و فعال مشاوران در مدارس</p> <p>- استفاده از موقعیت های شبیه به زندگی واقعی و ایجاد چالش های شبه واقعی</p>	<p>از جانب صدا و سیما و حتی برخی از همکاران فرهنگی</p> <p>- عدم توانایی معلم برای برقراری ارتباط موثر با دانش آموزان و خانواده ها</p>
--	---

در پاسخ به سوال اول طبق یافته های جدول شماره یک لازم به ذکر است که در بحث موانع در بین پاسخ هایی که ذکر شده است موارد (محدودیت های مکانی و جمعیت بالای کلاس و همچنین عدم آموزش صحیح خانواده ها) دارای بیشترین فراوانی بودند و تعداد بیشتری از مصاحبه شوندگان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان این گونه پاسخ داده است: با توجه به وجود چالش های مالی مختلف در خانواده ها در کنار آن گسترش فضای مجازی و پایین آمدن سن استفاده از فضای مجازی فرصت انواع تربیت مخصوصا تربیت فطری دانش آموزان در خانواده ها کم رنگ شده و گاهی از تربیت فطری در مدارس هم خانواده ها جلوگیری کرده و آن رانشانه ی تمدن و فرهنگ می دانند، حتی معلم و مدرسه در این زمینه به دلیل مشکلاتی از قبیل تعداد بالای دانش آموزان کلاس و مناسب نبودن فضای آموزشی و سایر محدودیت ها به درستی توانایی انجام این کار را ندارند. در صورتی که مدرسه و کادر آن باید با رجوع به فطرت و تربیت متربیان خود جلسات آموزش خانواده متعددی برای خانواده ها برگزار کند و در آموزش های کلی هم تلفیق اتفاق بیوفتد، در کنار آن نیز مهم ترین مورد غیر قابل انکاری که میتوان به آن اشاره کرد عدم انگیزه در بین معلمان و چالش های مالی موجود در نظام آموزش و پرورش است. که در اکثر مواقع خود دلیلی بر عدم اجرا یا اجرای نامناسب خیلی از فعالیت های تربیتی و آموزشی است.

همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (عدم توانایی معلم) در تحقق این مینا بوده است که یکی دیگر از مصاحبه شوندگان اینگونه پاسخ داد: به نظر من کمتر از حد لازم به هر دوی این موارد پرداخته می شود، چون در برخورد با بسیاری از معلمان ابتدایی متأسفانه این مهارت حتی در مقابل بزرگسالان دیده نمی شود و انتظار از اینکه معلمان در برخورد با کودکان به این عوامل مسلط و توجیه باشند منطقی نیست. البته آموزگاران بسیار حرفه ای و مسلط بر مباحث روانشناختی که بتوانند این کار را به درستی انجام دهند وجود دارد اما تعدادشان به نسبت کل معلمان زیاد نیست.

سوال ۲: با توجه به مبنای دوم روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی به چه میزان سازگارهای تربیتی دانش آموزان مطابق با این مبانی است، چه موانع و چالش هایی وجود دارد؟ و چه راه هایی برای توجه بهتر به این مینا وجود دارد؟

جدول ۲: توجه به تفاوت های فردی و درون فردی دانش آموزان در مدارس ابتدایی

مبنا	موانع و چالش ها	راهکار ها
توجه به تفاوت های فردی و درون فردی دانش آموزان در مدارس ابتدایی	<p>- عدم سازگاری تربیتی با تفاوت های فردی</p> <p>- مشکلات در توجه به سازگاری تربیتی</p>	<p>- توجه به تجربیات و دیدگاه های معلمان و اجرای کارگاه های آموزشی برای نو معلمان</p> <p>- توسعه برنامه های آموزشی با توجه به تفاوت های فردی</p>

<p>- استفاده از ابزار های فناوری مانند هوش مصنوعی</p> <p>- کمک از مساجد، کتابخانه ها و سایر ارگان های فرهنگی</p> <p>- تغییر و اصلاح ساختار کتب درسی</p> <p>- کاهش تعداد دانش آموزان حاضر در هر کلاس</p> <p>- تعامل بیشتر خانواده با مدرسه</p>	<p>- نبود راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و تفاوت های فردی</p> <p>- تعدد برنامه های مختلف و کمبود زمان برای تحقق این هدف توسط معلم</p> <p>- جمعیت بالای کلاس های درس</p> <p>- کمبود آموزش های تخصصی کامل و سلیقه ای عمل کردن برخی از معلمان</p> <p>- عدم توجه کامل به تفاوت ها و استعداد های افراد در محتوا و ساختار کلی آموزش و پرورش کشور</p>
---	--

در پاسخ به سوال دوم طبق یافته های جدول شماره دو لازم به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است مورد (عدم توجه کامل به تفاوت ها و استعداد های افراد در محتوا و ساختار کلی آموزش و پرورش کشور) دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاحبه شوندگان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است:

به طور کلی با وجود کتب درسی ثابت و تمرکز حاکم بر نظام آموزشی میزان خلاقیت دست اندر کاران امر تعلیم و تربیت نسبت به شرایطی که این میزان تمرکز کمتر است، بیشتر خواهد بود به بیان دیگر نخستین چالش در این زمینه وجود محتوایی یکسان برای کلیه فراگیران، فارغ از توجه به علایق و حتی گاه نیازهای آنان است. به عنوان مثال عینی، در کتاب ریاضی پایه پنجم تبدیل متر مکعب به سانتی متر مکعب که در قالب یک سوال آموزش داده شده نمایانگر محتوایی از این نوع است. برای برون رفت از این شرایط بهتر است تا قدری در تنظیم محتوا به مواردی که معلمان به دفتر تالیف ارسال می کنند، توجه شود و محتوا پیش از چاپ نظر سنجی شود. از جمله چالشهای دیگر حجم زیاد برخی دروس است که صرفا هدفش ارائه دانش نظری است که کارایی خاصی ندارد و می توان با حذف چنین دروسی مهارتهایی را جایگزین کرد و به فراگیران آموخت به عنوان نمونه درس مطالعات اجتماعی بالآخر در قسمت تاریخ به بیان جزئیاتی می پردازد که حتی خواندن آن نیز برای فراگیران دشوار است. از جمله چالش های دیگر در باب عدم تطابق با تفاوت های فردی نادیده گرفتن قدرت ابتکار عمل فراگیران به منزله مهم ترین عنصر در مثلث یادگیری است. قسمت اعظمی از محتوای کتب درسی از پیش تعیین شده است و صرفا در درس فارسی خوانداری و نوشتاری و آن هم در درس آزاد فراگیران دست به ابداع و خلق می زنند در حالیکه دامنه این چنین مواردی می تواند برای دروس مختلف بالآخر دروسی که طرح سوال موجب تعمیق تفکر و یادگیری می شود، گسترش یابد.

همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (کمبود آموزش های تخصصی کامل و سلیقه ای عمل کردن برخی از معلمان) در تحقق این مینا بوده است که یکی دیگر از مصاحبه شوندگان اینگونه پاسخ داد: با توجه به آموزش های ضمن خدمت معلمان یک سری آگاهی های مفید و ضروری به معلمان برای شناخت درونی و بیرونی بهتر دانش آموزان داده می شود و مطابق اصول کمابین در مدارس اجرا می شود. چالشی که در این مورد وجود دارد وارد کردن یکسری دستور العمل های شخصی در این مبانی توسط همکاران و سلیقه ای عمل کردن ایشان باعث می شود این دستورالعمل های آموزشی درست و صحیح اجرا نشود. راه کار نظارت منظم کادر مدرسه و پیگیری منظم مدیر از روند اجرای این مبانی و درخواست گزارش کتبی و با شفاهی از معلمان تاثیر خوبی خواهد داشت.

سوال ۳: با توجه به مبنای سوم روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی آیا به این مبنا توجه می‌شود؟ (با ذکر دلیل) چالش‌ها و موانع پیش رو برای تحقق این مهم چیست؟ و چه راهکارهایی برای برون رفت از این چالش‌ها وجود دارد؟

جدول ۳: توجه به مشارکت فعال کودکان در فرایند یادگیری و دوری از شیوه‌های سنتی

مبنا	موانع و چالش‌ها	راهکارها
تربیت کودک فعال است و بایستی در آموزش کودک از شیوه‌های سنتی دوری کرد و کودکان در فرایند یادگیری باید مشارکت فعال و پویا داشته باشند	<ul style="list-style-type: none"> - محدودیت‌های ساختاری سیستم آموزشی در اجازه مشارکت فعال دانش‌آموزان - عدم آمادگی برخی معلمان برای اجرای شیوه‌های تدریس فعال - درصد پایین دروس عملی نسبت به دروس تئوری - استفاده از روش‌های تدریس منسوخ شده توسط اغلب معلمان - عدم همکاری صحیح والدین با معلم و مدرسه به دلیل عدم وجود آگاهی کافی - جمعیت بالای کلاس - حجم زیاد مطالب کم کاربرد - کمبود فضا و امکانات 	<ul style="list-style-type: none"> - تدوین کتب راهنمایی برای استفاده از شیوه‌های تدریس فعال در مدارس ابتدایی - آموزش معلمان در زمینه تربیت فعال با تأکید بر مشارکت دانش‌آموزان - تغییر محتوای کتب درسی و عملی‌تر شدن دروس در تمامی مقاطع - برگزاری آموزش‌های لازم برای والدین جهت همکاری بیشتر و دقیق‌تر با معلم - افزایش میانگین سرانه فضای آموزشی - تأکید استفاده از روش‌های فعال و پویا در تدریس - تجهیز و توسعه مدارس

در پاسخ به سوال سوم و طبق یافته‌های جدول شماره سه لازم به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است، مورد (جمعیت بالای کلاس و مناسب نبودن محیط آموزشی) دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاحبه‌شوندگان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است: استفاده از روش‌های فعال تدریس درست است که خوب و اثر بخش است اما این روش‌ها برای اثر بخشی و کارایی به مولفه‌ها و پیش‌نیازهای وابسته هستند که با وجود آنهاست که این روش‌ها شرط تحقق و اثر بخشی را پیدا می‌کنند. به عنوان مثال در کلاسی با ۳۶ نفر فراگیر استفاده از روشی هم چون بحث گروهی موجب سرو صدای زیاد می‌شود. از طرفی امکانات و فضای کلاس‌ها نیز امکان استفاده از چنین روش‌هایی را نمی‌دهد. چون غالباً در نیمکت‌ها ۳ نفر فراگیر نشسته‌اند. و گروه‌بندی و تغییر آرایش کلاس دشوار است و با افزایش تعداد گروه زمان به بررسی همه نمی‌رسد و با افزایش فراگیران در گروه‌ها تسلط‌ها افزایش می‌یابد. مورد دیگر نبود امکانات و وسایل در مدرسه‌ای که حتی ساده‌ترین وسایل مطرح شده در کتاب برای انجام آزمایش نیست امکان استفاده از روشی چون روش آزمایشگاهی نیز وجود ندارد. از مشکلات دیگر در این خصوص دونویته بودن مدارس است، تغییر در چیدمان کلاس در یک شیفต์ باعث اذیت شدن شیفต์ دیگر می‌شود. از چالش‌های دیگر شلوغ بودن کلاس‌های درس است. در روش فعال به دلیل اینکه ما با اکتشاف و کاوشگری سر و کار داریم و نیاز به نظارت مستمر و دقیق معلم است بهتر است که تعداد دانش‌آموزان از ۲۰ نفر بیشتر نباشد تا معلم بتواند این فرایند را به درستی رهبری و هدایت کند. همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (عدم

همکاری صحیح والدین با معلم و مدرسه به دلیل عدم وجود آگاهی کافی) در تحقق این مینا بوده است که یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان اینگونه پاسخ داد: استفاده از شیوه‌های فعال در آموزش بسیار امری کاربردی در تدریس و یادگیری بهتر برای دانش آموز است که حتی معلم نیز در روش‌های اینچنینی سختی و دشواری کمتری را تحمل می‌کند اما بهتر است که آموزش‌های لازم به والدین داده شود که بدانند آموزش قرار نیست مانند ۲۰ سال پیش یا اینکه روش درس خواندن آنها حتماً می‌بایستی شبیه به روش درس خواندن در گذشته باشد و زمانی که فرهنگ سازی و آموزش‌های لازم به والدین داده شود کار معلم در جهت تحقق این هدف آسان‌تر خواهد بود.

سوال ۴: باتوجه به مبنای چهارم روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی و برنامه‌های آموزشی و تربیتی آنها تا چه میزان به موضوع مراحل رشد و متعلقات آن توجه می‌شود؟ (باذکردلیل) چالش‌ها و موانع هر سر راه تحقق این مباحث چیست و چه راه حل‌هایی برای حل این چالش‌ها وجود دارد؟

جدول ۴: توجه به مبنای رشد به عنوان جریانی مستمر و مرحله به مرحله و تحت تأثیر عوامل محیطی و زیستی و درونی

مینا	موانع و چالش‌ها	راهکارها
رشد جریانی مستمر و مرحله به مرحله و تحت تأثیر عوامل محیطی و زیستی و درونی است.	<ul style="list-style-type: none"> - کمبود برنامه‌های تربیتی گام به گام بر اساس مراحل رشد - عدم توجه کافی به انعطاف و پویایی در روند رشد - حجم بالای کتب درسی و کمبود منابع - استاندارد نبودن محیط آموزشی - عدم دانش کافی والدین - عدم اطلاع کافی معلمان - فشار برای انطباق با استانداردها 	<ul style="list-style-type: none"> - توسعه برنامه‌های تربیتی چندسطحی با تأکید بر مراحل رشد - آموزش معلمان و ارتقاء آگاهی معلمان از اهمیت انعطاف در تربیت دانش‌آموزان - تغییر سیاست‌ها - افزایش مشارکت والدین - استفاده از رویکردهای تدریس تفریقی - ارزیابی مبتنی بر عملکرد - همکاری با متخصصان

درپاسخ به سوال چهارم و طبق یافته‌های جدول شماره ۴ لازم به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است مورد (کمبود دانش معلمان و کمبود منابع) دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاحبه‌شونده‌گان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه‌شونده‌گان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است:

در روانشناسی به موضوع رشد به عنوان جریانی مستمر تحت تأثیر عوامل زیستی محیطی و درونی، به انعطاف و پویایی اشاره می‌شود، اما با این حال در مدارس ابتدایی و برنامه‌های آموزشی و تربیتی به آن گونه که شایسته و لازم است توجه نمی‌شود درست است که خیلی از مسائل مانند کمبود فضا مناسب نبودن منابع و عدم اطلاع والدین خود چالش‌های جدی برای تحقق این امر مهم هستند اما به نظر من موضوع و چالشی که از مورد دیگه اهمیت بیشتری دارد و فقدان و کمبود آن به صورت ملموس‌تری احساس می‌شود کمبود دانسته‌ها و دانش معلمان و عدم وجود آموزش‌های کافی برای رفع این کمبود است که بایستی راهکارهای کاربردی و مفید تر بیشتر مورد توجه ویژه مدیران آموزش و پرورش در تمامی سطوح قرار بگیرد که انشاءالله در کنار سایر موانع و چالش‌ها این چالش نیز به صورت کامل مرتفع و حل شود.

همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (استاندارد نبودن محیط آموزشی) در تحقق این مبنا بوده است که یکی دیگر از مصاحبه شوندگان این گونه پاسخ داد:

به جرات می توان گفت در اکثر مناطق کمتر برخوردار که از کمبود وسایل آموزشی و استاندارد نبودن محیط آموزشی رنج می برند حتی اگر بخواهند به این مبنا توجه و به آن به درستی عمل کنند به دلیل کمبودهایی که وجود دارد، امکان تحقق این هدف به درستی وجود ندارد. بالعکس در مناطق برخوردار و مدارس ویژه به دلیل وجود امکانات و تجهیزات لازم در محیط آموزشی و فرهنگ سازی و آموزش های کافی برای والدین و معلمان بیشتر شاهد تحقق این مبنا هستیم.

سوال ۵: با توجه به مبنای پنجم روانشناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، در برنامه آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی چقدر به همه ابعاد رشد توجه می شود؟ طبق این مبنا آیا به تمامی ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت توجه می شود؟ (با ذکر دلیل) موانع اجرایی بر سر راه این مبنا چیست؟ و چه راهکارها وجود دارد؟

جدول ۵: توجه به رشد آدمی در همه ابعاد و دوری از تک بعدی عمل کردن و توجه به تعامل عوامل متعدد

مینا	موانع و چالش ها	راهکار ها
رشد آدمی در همه ابعاد رخ می دهد و نباید تک بعدی عمل کرد و محصول تعامل عوامل متعدد است	- نقص سیاست های آموزشی چندبعدی در سیستم تعلیم و تربیت. - محدودیت های موارد مالی و منابع برای پوشش تمام ابعاد. - اختصاص منابع و زمان کم در برنامه ریزی و اجرای ابعاد چندگانه تعلیم و تربیت. - عدم هماهنگی بین مراحل آموزشی و ابعاد چندبعدی تربیت. - فقر اقتصادی و فقر فرهنگی - جمعیت بالای مدارس - کمبود فضا و امکانات - فشار برای انطباق با استانداردها - عدم هماهنگی بین برنامه درسی و فعالیت های آموزشی - عدم آموزش کافی برای معلمان	- اصلاح و به روز رسانی سیاست ها جهت ارتقاء برنامه ریزی چندبعدی - جذب منابع مالی برای پشتیبانی از برنامه های تعلیم و تربیت چندبعدی - اجرای آموزش های لازم برای معلمان - فرهنگ سازی و توجیه والدین و برگزاری جلسات آموزش خانواده - افزایش هماهنگی بین برنامه درسی و فعالیت های آموزشی - جلب مشارکت بیشتر والدین در امور مدرسه و تقویت انجمن اولیا و مربیان - نگاه جامع هنگام ارزیابی دانش آموزان و توجه به تمامی ابعاد رشد و استعداد ها - حضور دائم و مستمر مشاوران در مدارس مخصوصا در دوره ابتدایی - استفاده از رویکردهای جدید و خلاقانه - پررنگی از افراط و تفریط در امر تربیت

در پاسخ به سوال پنجم و طبق یافته های جدول شماره ۵ لازم به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است، مورد (اختصاص منابع و زمان کم در برنامه ریزی و اجرای ابعاد چندگانه تعلیم و تربیت)، دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاحبه شوندگان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است: در طی این چند سال مخصوصا سال های بعد از کرونا توجه به این مبنا و به صورت کلی توجه به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت توسط مسئولین، معلمان و خانواده به نسبت قبل بیشتر شده زیرا دیگر همه به این موضوع به طور کامل واقف شده اند که رشد انسان تک بعدی یا صرفا در یک زمینه نیست و ممکن است انسان ها استعداد های گوناگونی داشته باشند. اما یکی از مهم ترین چالش های بر سر راه تحقق این مبنا مواردی است مثل: زمان کم، تعداد بالای دانش آموزان، نبودن منابع کافی برای اجرای هرچه

بهتر این سند و توجه به همه ابعاد رشد در مدارس که اگر بتوان این مشکلات را به خوبی برطرف کرد و پشت سر گذاشت یقیناً ما شاهد تحول‌های اساسی و رشد نظام آموزشی کشور خود خواهیم بود. همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (عدم آموزش کافی برای معلمان) در تحقق این مبنا بوده است که یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان این گونه پاسخ داد: متأسفانه به اندازه کافی نیست. علت احتمالاً در نبود امکانات لازم برای ارائه فعالیت‌ها در همه ساخت‌ها است. ابتدا معلم باید به همه حیطه‌ها تسلط کافی داشته باشد و سپس انگیزه و توانایی مشارکت دادن دانش‌آموزان در دانسته‌های خود را دارا باشد که متأسفانه آموزش‌های لازم و کافی برای معلمان در نظر گرفته نشده که بایستی مجدد این آموزش‌ها به صورت حضوری و با ذکر جزئیات بیشتر و با حضور اساتید و مشاوران زنده اجرا شود. همچنین به نظر در این زمینه مشارکت فعال والدین می‌تواند تا حدودی به یاری معلم بیایند. در صورتی که آموزگار توانایی و فرصت و حمایت لازم برای بهره‌گیری از توانایی‌های آنان را داشته باشد.

سوال شماره ۶: باتوجه به مبنای ششم روانشناختی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی تا چه میزان به این موضوع توجه می‌شود؟ (با ذکر دلیل) چالش‌ها و موانع بر سر راه تحقق این مبنا چیست و چه راهکارهایی برای برون رفت از این چالش‌ها وجود دارد؟

جدول ۶: توجه به انگیزش درونی و انگیزش بیرونی و تأثیر عوامل مختلف در آن

مبنا	موانع و چالش‌ها	راهکارها
انگیزش دارای دو بعد انگیزش درونی و انگیزش بیرونی است و تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد	<p>- عدم توجه کافی به تفاوت بین انگیزش درونی و بیرونی در برنامه‌های آموزشی</p> <p>- نیاز به تعامل یکپارچه‌تر بین معلمان و دانش‌آموزان در جهت افزایش انگیزه</p> <p>- عدم همتاگی‌های تربیتی خانواده‌ها و محیط آموزشی</p> <p>- عدم تنوع در آموزش و درصد کم عملی بودن دروس</p> <p>- عدم شناخت کامل معلم از روحیات دانش‌آموزان</p> <p>- عدم وجود آموزش‌های کافی برای والدین</p> <p>- عدم همکاری اکثر والدین</p> <p>- کمبود منابع مالی و منابع آموزشی</p> <p>- جمعیت بالای کلاس‌ها</p>	<p>- ایجاد برنامه‌های تحصیلی با تمرکز بر افزایش انگیزش درونی دانش‌آموزان</p> <p>- آموزش معلمان به مهارت‌های مدیریت کلاس و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان</p> <p>- برگزاری دوره‌های آموزش خانواده برای والدین</p> <p>- افزایش دروس عملی و کارگاهی</p> <p>- برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان</p> <p>- تأمین بودجه بیشتر برای مدارس جهت اجرای برنامه‌های آموزشی مبتنی بر انگیزش</p> <p>- ایجاد فرصت‌هایی برای موفقیت و شکوفایی استعدادها</p> <p>- ارائه بازخورد مثبت</p> <p>- استفاده از روش‌های تدریس متنوع</p>

درپاسخ به سوال ششم و طبق یافته‌های جدول شماره ۶ لازم به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است، مورد (عدم تنوع در آموزش و درصد کم عملی بودن دروس)، دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاحبه‌شوندگان به این

مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است: توجه به انگیزش در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی از اهمیت بالایی برخوردار است اما شاهد این هستیم که برخی از والدین و معلمان صرفاً به انگیزه های بیرونی توجه دارند که این عامل یا به سبب عدم اطلاع آنها نسبت به این موضوع است و گاهی یکی از علل اصلی آن نبود تنوع در مطالب آموزش و عملی نبودن دروس است به نوعی که بعد از مدتی نه دانش آموز و نه خانواده ها و حتی معلم رغبتی به دروس ندارند زیرا همه آنها تئوری و مفهومی هستند که اگر بتوان درصد عملی و کارگاهی بودن دروس را افزایش داد و در اجرا و تدریس آنها تنوع به خرج داد، مسلماً انگیزه افراد در محیط آموزشی دو چندان می شود. همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (جمعیت بالای کلاس و مدارس) در تحقق این مبنا بوده است که یکی دیگر از مصاحبه شوندگان این گونه پاسخ داد: به ایجاد انگیزه در تدریس و مدارس توجه می شود اما چالش مهمی که بر سر راه تحقق این مبنا قرار دارد کمبود منابع مالی و جمعیت بالای کلاس های درس است که فرصت توجه کامل به هر دانش آموز از معلم گرفته می شود با اینکه معلم اگر بتواند در کنار فعالیت های انگیزشی جمعی به صورت فردی نیز با دانش آموزان ارتباط برقرار کند، شاهد آثار ویژه آن در سیستم آموزش و پرورش خواهیم بود.

بحث و نتیجه گیری

از آنجایی که موضوع پژوهش چالش ها و راهکارهای توجه به مبانی روان شناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی بود، پس برای هرمنای به صورت مفصل و مجزا نظر بیش از ۱۰۰ نفر از معلمان استان اصفهان پیرامون چالش ها و راهکارهایی بر سر راه تحقق هریک از مبانی به صورت طبقه بندی و کدگذاری شده مطرح شد.

در پاسخ به سوال اول و با توجه به مبنای اول روان شناختی مورد تاکید در سند تحول بنیادین، تاثیر عوامل درونی و بیرونی مورد بررسی قرار گرفت و طبق نظر مصاحبه شوندگان، اصلی ترین چالش بر سر راه تحقق این مبنا، محدودیت های مکانی و جمعیت بالای کلاس و همچنین عدم آموزش صحیح خانواده ها بود. همچنین راهکارهایی همچون توسعه برنامه های آموزشی با توجه به نیازها و علاقه ها، استفاده از روش های تدریس مبتنی بر انگیزه و آموزش معلمان در زمینه روان شناختی ارئه شد. یافته های سوال اول پژوهش و راهکارهایی که ارائه شد با یافته های پژوهش حسن زاده (۱۳۸۱) همسو است. لذا تمامی مصاحبه شوندگان بر این امر تاکید داشتند که عوامل درونی و بیرونی تاثیر بسزایی در رشد، تربیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد.

در پاسخ به سوال دوم معلمان به چالش هایی همچون عدم سازگاری تربیتی با تفاوت های فردی، مشکلات به توجه در سازگاری تربیتی، تعدد برنامه های مختلف، جمعیت بالای کلاس، عدم توجه کامل به افراد و تفاوت ها در محتوا و ساختار کلی آموزش و پرورش و سلیقه ای عمل کردن معلمان از عمده چالش هایی بود که بدان اشاره کردند و در بین چالش ها عدم توجه کامل به افراد و تفاوت ها در محتوا و ساختار کلی آموزش و پرورش بیشتر از سایر موارد مورد تاکید قرار گرفت. همچنین معلمان جهت حل این چالش ها راهکار هایی نظیر توجه به تجربیات و دیدگاه های معلمان و اجرای کارگاه های آموزشی برای نو معلمان، توسعه برنامه های آموزشی با توجه به تفاوت های فردی، استفاده از ابزار های فناوری مانند هوش مصنوعی را پیشنهاد دادند. در بین راهکار های ارئه شده برگزاری کارگاه های آموزشی برای معلمان و نو معلمان دارای بیشترین فراوانی بود. در پژوهش علی اکبری و رجایی (۱۳۹۹) نیز به برگزاری کارگاه ها و دوره های مختلف به دید مثبت نگریسته که با یافته های این پژوهش همسو است.

در پاسخ به سوال سوم پژوهش، معلمان به چالش ها و مشکلاتی مانند محدودیت های ساختاری سیستم آموزشی در اجازه مشارکت فعال دانش آموزان، عدم آمادگی برخی از معلمان برای اجرای شیوه تدریس فعال، درصد پایین دروس عملی نسبت به دروس تئوری، کمبود فضا و جمعیت بالای کلاس اشاره کردند که در این بین جمعیت بالای کلاس بیش از سایر موارد مورد تاکید معلمان بود، و در این راستا اتفاق نظر اکثریت بر این بود که یکی از مهم ترین راهکار ها برای تحقق این مبنا کاهش جمعیت کلاس هاست. همچنین گلس (Glass) و اسمیت (Smith) معتقدند که یکی از آثار مثبت کاهش تعداد دانش آموزان در کلاس

پیشرفت تحصیلی و افزایش زمان آموزش برای هریک از دانش آموزان است، البته در کنار این راهکار به عنوان راهکار اصلی و ضروری، راهکار هایی دیگری همچون تدوین کتاب های راهنمایی برای استفاده از شیوه تدریس فعال در مدارس ابتدایی، برگزاری آموزش های خانواده به صورت مستمر برای والدین جهت همکاری بیشتر و بهتر با آموزگار و تغییر محتوای کتب درسی و افزایش جنبه عملی دوسر پیشنهاد گردید.

در پاسخ به سوال چهارم و در بررسی چالش ها و راهکارهای تحقق این مبنا به چالش هایی مانند: کمبود برنامه های تربیتی گام به گام بر اساس مراحل رشد، عدم توجه کافی به انعطاف و پویایی در جریان رشد، استاندارد نبودن محیط آموزشی و عدم اطلاع کافی والدین و دانش آموزان اشاره شد. همچنین معلمان به راهکارهایی همچون آموزش معلمان و ارتقای آگاهی معلمان از اهمیت انعطاف در تربیت دانش آموزان، تغییر سیاست ها، ارزیابی براساس عملکرد و افزایش مشارکت والدین اشاره کردند. در پژوهش وحیدی و امین زیدی (۱۳۹۴) به نقش واسطه گری والدین در آموزش و همراهی والدین در تمامی مراحل رشد فرزند و به نوعی تسهیل یادگیری اشاره شده که با برخی راهکار های ارائه شده مانند افزایش مشارکت والدین همسو است.

در پاسخ به سوال پنجم چالش هایی از قبیل نقص سیاست های آموزشی چند بعدی در سیستم تعلیم و تربیت، محدودیت های مالی و منابع برای پوشش همه ابعاد، اختصاص زمان کم در برنامه ریزی و اجرای ابعاد چندگانه تعلیم و تربیت، عدم هماهنگی بین مراحل آموزشی و ابعاد چند بعدی تعلیم و تربیت، فشار برای انطباق با استانداردها شناسایی شد و برای غلبه بر چالش ها، پیشنهاداتی همچون اصلاح و به روز رسانی سیاست ها جهت ارتقاء برنامه ریزی چندبعدی، جلب بیشتر مشارکت والدین در امور مدرسه و تقویت انجمن اولیا مربیان، نگاه جامع هنگام ارزیابی دانش آموزان و توجه به تمامی ابعاد رشد و استعداد ها، حضور دائم مشاوران در مدارس مخصوصا مدارس ابتدایی، پرهیز از افراط و تفریط در امر تربیت ارائه شد. لازم به ذکر است که سیفعلی و ابراهیمی نسب (۱۴۰۲) به این اصل تاکید می کنند که تعادل اصل اساسی در کلیه میدان های زندگی است و با راهکار های ارائه شده مانند پرهیز از افراط و تفریط در امر تربیت همسویی دارد.

در نهایت در پاسخ به سوال ششم پژوهش و باتوجه به انگیزش دورنی و بیرونی مصاحبه شوندگان، اصلی ترین چالش بر سر راه تحقق این مبنا، عدم تنوع در آموزش و درصد پایین عملی بودن دروس معرفی شد. افزون بر این راهکارهایی همچون ایجاد برنامه تحصیلی با توجه به افزایش انگیزش دورنی دانش آموزان، آموزش معلمان به مهارت های مدیریت کلاس و ایجاد انگیزه در دانش آموزان، افزایش دروس کارگاهی و عملی و برگزاری دوره های آموزش خانواده برای والدین و پیشنهاد گردید. با توجه کامل به راهکار هایی ارائه شده می توان به صورت چشمگیری سرعت تحقق مبنای را افزایش داد.

در پایان و باتوجه به تمامی مبنای مطرح شده در سند تحول که اگر به درستی اجرا شوند می توان شاهد تحول اساسی در امر آموزش کشور و رشد و اعتلای نام ایران بود. لذا پیشنهاد می شود با یک تغییر اساسی در ساختار کتب درسی و تجهیز مدارس و ارتقای سطح دانش معلمان و والدین زمینه را برای رشد و توسعه هموار ساخت. البته تحقق این امر نیاز به منابع مالی کافی و توجه کامل تمامی مدیران و مسئولان به امر آموزش و پرورش دارد.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان مقاله مذکور در تمامی مراحل انجام پژوهش مشارکت فعال داشته اند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می دانند از تمامی شرکت کنندگان در پژوهش نهایت قدردانی و سپاس را داشته باشند.

تعارض منافع

نویسندگان اظهار دارند در رابطه با پژوهش حاضر هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- حسن زاده، رمضان. (۱۳۸۱). رابطه بین انگیزش (درونی - بیرونی) منبع کنترل (درونی - بیرونی) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. نوآوری های آموزشی، ۱۱(۲)، ۱۰۷-۱۱۹. https://noavaryedu.oerp.ir/article_78721.html
- حسینی، علی، محمدی، سارا، و کریمی، مهدی. (۱۳۹۸). مدیریت کلاس و عملکرد تحصیلی. مجله پژوهش‌های تربیتی، ۱(۲۲)، ۶۵-۸۰. https://erj.khu.ac.ir/search.php?slc_lang=fa&sid=1
- خدایی، حسن، رضایی، مریم، و نوری، علی. (۱۴۰۰). پیامدهای عدم توجه به مبانی روان‌شناختی در مدارس. مجله روان‌شناسی تربیتی، ۲۵(۱)، ۷۸-۹۲.
- زارع، مهدی، احمدی، علی، و حسینی، زهرا. (۱۳۹۷). مدیریت کلاس‌های ابتدایی: چالش‌ها و راهکارها. مجله علوم تربیتی، ۱۹(۲)، ۸۹-۱۰۵.
- سلیمانی، فاطمه. (۱۳۹۸). تحلیل محتوای دروس ابتدایی از منظر روان‌شناختی، مجله آموزش و پرورش، ۲۳(۴)، ۵۶-۷۲.
- شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- علی‌آبادی، محمد. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مبانی روان‌شناختی در نظام آموزشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- علی‌پور، نرگس. (۱۳۹۷). تأثیر روش‌های تدریس نوین بر رشد شناختی دانش‌آموزان. نشریه آموزش نوین، ۱۵(۲)، ۳۴-۴۹. <https://civilica.com/doc/1963124>
- معجز، نسیم، قربانی، الناز، و رحیمی، عظیمه. (۱۳۹۶). تفاوت‌های فردی در یادگیری و آموزش. کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، تربیتی، علوم انسانی و روانشناسی. <https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.sid.ir/FileServer/SF/8841396H0103.pdf&ved=2ahUKEwjZpOPih96LAXaUIVaQEhczpF5QQFnoECBQQAQ&usg=AOvVaw2K7WjRxS9nV7IopRO-3TIU>
- ملکی، رضا. (۱۳۹۹). بررسی فضای حاکم بر مدارس ابتدایی. نشریه تحقیقات تربیتی، ۲۱(۳)، ۴۵-۶۰. https://erj.khu.ac.ir/browse.php?mag_id=410&slc_lang=fa&sid=1
- وحیدی، الهه، و امین یزدی، سیدامیر. (۱۳۹۴). واسطه‌گری برای رشد بهینه کودک: رویکردی در فرزندپروری. کنگره سراسری روان‌شناسی کودک و نوجوان.
- Anderson, John, Smith, Peter, & Jones, Laura. (2019). Psychological approaches in education: Impacts on social skills. Journal of Educational Psychology, 111(3), 345-360. <https://doi.org/10.1037/edu0000345>
- Smith, Peter, & Jones, Laura. (2020). Supportive educational environments: Reducing stress and increasing motivation. British Journal of Educational Studies, 68(2), 123-140. <https://doi.org/10.1080/00071005.2020.1712334>

Challenges and solutions to attention to the psychological foundations emphasized in the Document of Fundamental Transformation in the content of lessons, classroom management and the prevailing atmosphere in elementary schools

Kamal Nosrati Heshi¹, Nima Alghasi², Elahe Khairolollahi³, Hamidreza Dehghan⁴,

Mohammad Azimi⁵

Abstract

The aim of the current research is to investigate the challenges and solutions to attention to the psychological foundations emphasized in the Document of Fundamental Transformation in the content of lessons, classroom management and the prevailing atmosphere in elementary schools. This research is of qualitative type, and document analysis method and phenomenological method (semi-structured interview) were used to obtain the findings. In this study, more than 100 elementary school teachers in Isfahan province were selected using purposive sampling and theoretical saturation criteria. In the findings section, by examining the available resources and through interviews with teachers, the challenges and solutions were determined and it was shown that the principles mentioned in the Document of Fundamental Transformation will not be fully achieved in the short term and only by sending the circular letter. Rather, in addition to the necessary training for students, parents and teachers, there is a need for the necessary resources and facilities and their fair allocation throughout the country. Further, through interviews with teachers, challenges and solutions such as increasing the resources and facilities of education, conducting necessary training for teachers and parents, reducing the number of students in classes, using technological tools such as artificial intelligence, changing and modifying books curriculum, full implementation of educational justice, compilation of guidelines for using active teaching methods in elementary schools and other solutions that were mentioned in the text of the research and presented separately in tables. On this basis, it seems that if all the principles outlined in the transformation document are implemented correctly, we can witness a fundamental transformation in the country's education and the growth and elevation of the name of Islamic Iran.

Keywords: Challenges and solutions, psychological foundations, Document of Fundamental Transformation, experience of elementary teachers

¹. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. kamalnosrati1367@cfu.ac.ir

². Bachelor's degree from Farhangian University and elementary school teacher. nimaalghasi@cfu.ac.ir

³. Master of Education, Nahj al-Balagh, District 4 Education, Isfahan, Iran. el.khairolollahi@gmail.com

⁴. Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Farhangian University, Tehran, Iran

⁵. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.